

مقاله پژوهشی: آینده‌پژوهی مدیریت تهدیدات امنیتی عربستان در منطقه غرب آسیا (کنشگران و عوامل شتاب‌زا)

سید جواد امینی^۱ و عبدالله مبینی^۲ دهکردی^۳ و محسن نوروزی^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۵

چکیده

روابط و رویکردهای متقابل جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در طول چند دهه گذشته فرازونشیب‌هایی داشته که به‌رغم محدود همکاری‌ها، همواره با رقابت و تعارض همراه بوده است. در این شرایط و با توجه به اقدامات خصمانه عربستان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، شناخت کنشگران مؤثر در شکل‌گیری یا کنترل تهدیدات امنیتی و عوامل تسریع‌کننده این روند ضرورت دارد. این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی است و از حیث روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی و از رویکردی آمیخته بهره برده است. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه، گروه کانونی و پرسشنامه بوده است.

نتایج نشان می‌دهد که مواردی نظیر نفوذ معنوی و منطقه‌ای در جهان اسلام، زنده نگه‌داشتن آرمان فلسطین، همکاری مستشاری در عراق و سوریه، اقتدار و توان دفاعی و موشکی و... نیز تلاش عربستان برای توسعه تفکر وهابی و حمایت از گروه‌های تروریستی و افراطی، داعیه‌داری رهبری جهان اسلام و بازیگر برتر منطقه‌ای به‌عنوان عوامل شکل‌گیری تهدیدات امنیتی در بروز تعارضات فی‌مابین مؤثر بوده است. همچنین از بین بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا، رژیم صهیونیستی و گروه‌های تروریستی تکفیری با حداقل قابلیت کنترل؛ اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و شورای امنیت سازمان ملل با قابلیت کنترل متوسط و همچنین روسیه، سوریه، حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن، حشدالشعبی عراق در هم‌سویی با جمهوری اسلامی ایران واجد کنشگری در پیدایش یا کنترل تهدیدات امنیتی عربستان به شمار می‌روند.

۱. استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی (نویسنده مسئول)

Amini@sndu.ac.ir

۲. دکتری مدیریت راهبردی

۳. دانش‌آموخته دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی noruzi.m92@gmail.com

کلید واژه‌ها: منطقه غرب آسیا، آینده‌پژوهی، تهدید امنیتی، کنشگران، عوامل شتاب‌زا.

مقدمه

به لحاظ تاریخی، پادشاهی سعودی اولین بار در فاصله سال‌های ۱۸۱۸-۱۷۴۴ م تأسیس شد که تقریباً تمام شبه‌جزیره عربستان به جز یمن را شامل می‌شد، اما با دستور سلطان عثمانی و توسط محمدعلی پاشا، خدیو مصر، سرنگون شد. دومین تلاش سعودی‌ها برای تشکیل دولت در شبه‌جزیره عربستان بین سال‌های ۱۸۲۴-۱۸۷۷ م صورت گرفت. در این زمان دولت سعودی در منطقه نجد (عربستان مرکزی) تشکیل شد که به جهت عمل به وهابیسیم در یک کشور، رویکردی واقع‌گرایانه‌تر از دوره قبل داشت، ولی به دلیل اختلافات درونی فروپاشید و در نهایت سومین فرآیند تشکیل حکومت آل سعود در عربستان معلول تلاش‌های عبدالعزیز بن عبدالرحمان بین سال‌های ۱۹۰۲ م تا ۱۹۳۲ م بود، دولتی که تا به امروز بقای خود را حفظ کرده است.

وهابیت به عنوان جریانی مذهبی و سیاسی از قرن هجدهم با تسلط بر شبه‌جزیره عربستان، بر حیات سیاسی و اجتماعی مردم این سرزمین و حکومت آن تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشته است. اگرچه مسلک وهابیت به نام محمد بن عبدالوهاب شهرت یافته؛ اما در واقع او با مطالعه آثار ابن تیمیه آن‌ها را به حیطة عملی کشانید. تکفیر از مهم‌ترین بخش عقاید ابن تیمیه است (صفوی، ۱۳۹۴: ۱۶۸). مهم‌ترین کارکرد وهابیت که به باور برخی صاحب‌نظران امروز به کلیدواژه افول وهابیت تبدیل شده، مشروعیت‌بخشی آل سعود بوده است.

شکست رژیم صهیونیستی در جریان جنگ ۳۳ روزه و پیروزی حزب‌الله و سپس در جریان بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا و سقوط متحدان عربستان، به‌ویژه پس از سقوط صدام روابط دو کشور که کمی رو به آرامش می‌رفت، آهنگ تعارض به خود گرفت. حضور مؤثر ایران در سوریه و سپس حضور روسیه و تغییر معادلات به سمت جریان مقاومت، عربستان را با نگرانی زائدالوصفی مواجه و به‌نوعی دچار سرخوردگی کرد؛ به‌گونه‌ای که سیاست خارجی این کشور چهره‌ای نامنسجم و شکست‌خورده از عربستان در میان متحدان وی و دوستانش به نمایش گذاشته و سرانجام

شکست اقدامات این کشور در یمن باعث شد ریاض ضرورت اقدامات عملی برای مقابله با ایران را که از گذشته احساس می‌کرد با جدیت بیشتری پی بگیرد.

دستیابی جمهوری اسلامی ایران به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای اگرچه به‌طور مستقیم تهدیدی را متوجه عربستان نکرده است، اما به دلیل چالشی که در مسیر سیادت و تفوق عربستان در میان اعراب -به‌ویژه در منطقه خلیج فارس- به وجود آورده، با واکنش‌های بسیار تند عربستان مواجه و به یکی از اصلی‌ترین موضوعات مورد مناقشه منطقه‌ای تبدیل شده است. تحلیل روابط دو کشور از سوی برخی صاحب‌نظران احتیاط و ترس را شاکله رفتارهای متقابل می‌داند و معتقد است اقدامات عربستان برای ایجاد یک رابطه مناسب و پایدار کافی نبوده و نگاه امنیتی به هر اتفاقی از سوی این کشور بر مشکلات افزوده است (Alghunaim, 2014: 114). برآورد و ارزیابی راهبردی از اقدامات خصمانه ریاض در ائتلاف‌سازی منطقه‌ای و جهانی علیه جبهه مقاومت به محوریت جمهوری اسلامی ایران و همراهی آمریکا در این مسیر و برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی و تحرک برای سازمان‌دهی نافرمانی‌های اجتماعی در داخل ایران و ...گونه‌شناسی از تهدیداتی است که بایستی ابعاد آن به روش علمی و دقیق مورد واکاوی قرار گیرند. بر این اساس هدف اصلی این پژوهش شناسایی کشنگران مؤثر در بروز یا کنترل تهدیدات امنیتی عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا و هدف فرعی تحقیق نیز شناسایی عوامل شتاب‌زا در پیدایش و کنترل تهدیدات مخرب امنیتی عربستان است.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۱. عربستان سعودی و تعارض با جمهوری اسلامی ایران در منطقه

در طول تاریخ، در زمینه رهبری منطقه‌ای سه کشور ایران، عراق و عربستان تلاش‌های گوناگونی انجام داده‌اند. روابط عربستان با ایران تا زمان حاکمیت پهلوی حسنه و در راستای تأمین منافع آمریکا و حفظ امنیت منطقه بود و دو ستون اصلی دکترین نیکسون در منطقه محسوب می‌شدند، لیکن با فروپاشی رژیم پهلوی نوعی خلأ ژئوپلیتیک در منطقه ایجاد و عربستان جایگزین اصلی آن شد (زراعت‌پیشه ۱۳۸۴: ۲۲). نکته قابل توجه البته اینکه در

همان دوره زمانی نیز رقابت‌ها و برخوردهایی میان ایران و عربستان وجود داشت که گاه و بی‌گاه خودنمایی می‌کرد. ارتباط ایران و رژیم صهیونیستی، بحرین و جزایر سه‌گانه، نام خلیج فارس و برخورد با حجاج ایرانی از این دست بوده است (حسینی نسب مرتضی، ۱۳۹۴).^۱ برای بیش از ۸۰ سال، روابط بین ایران و عربستان سعودی، بین خصومت و همکاری تغییر یافته است. این امر با طیفی از بی‌اعتمادی و تصمیم‌گیری شتاب‌زده نشان داده شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی اختلافات مربوط به تأثیرگذاری عربستان بر قیمت‌های انرژی و تلاش‌های طرفین برای برتری جویی منطقه‌ای شدت گرفت و جنگ هشت‌ساله بین ایران و رژیم بعث عراق و حمایت‌های مالی و تسلیحاتی عربستان از صدام در حافظه تاریخی ایرانیان تأثیری فراموش‌ناشدنی گذاشت. برخی از تحلیلگران غربی اعتقاد دارند از سال ۲۰۰۳ م و با رشد استراتژی‌های مبتنی بر فرقه‌گرایی، اصلاح روابط دو کشور تقریباً غیر ممکن شد. هر دو کشور شرکا و متحدان فرودولتی خود را به‌عنوان مؤثرترین ابزار برای طراحی قدرت در سراسر منطقه به کار گرفته‌اند.^۲ درگیری‌های نیابتی مسلحانه در عراق، سوریه، یمن و لبنان و قیام‌های سیاسی در مصر و بحرین به‌طور گسترده‌ای با حمایت سیاسی ایران و عربستان ادامه یافته است.^۳

مروری بر روابط دو کشور طی دهه‌های اخیر حاکی از آن است که رژیم سعودی در دوره جنگ با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۳۶۰ هـ ش به مقابله با ایران پرداخته و در عین حالی که همواره به عراق کمک‌های مالی و اطلاعاتی می‌نمود، اما سیاست‌های این کشور همواره توأم با محافظه‌کاری بوده است. سرانجام در سال ۱۳۶۶ هـ ش و به دنبال کشتار حجاج به دستور فهد روابط دو کشور قطع شد. در سال ۱۳۶۹

۱. <http://pajoohe.ir/۱۳۹۳/۷/۲۴>

۲. نویسنده مقاله «ایران و عربستان؛ توسعه رقابت» معتقد به فرقه‌گرایی ایران و عربستان در مقابل یکدیگر است؛ این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران همواره دفاع از مظلوم را در مقابل ظالم مد نظر داشته؛ درحالی که عربستان و متحدان این کشور تنها به استفاده ابزاری از افراط‌گرایان برای توسعه حوزه نفوذ خود می‌اندیشند.

۳. <https://fanack.com/saudi-arabia/history-past-to-present/iran-and-saudi-arabia-the-rivalry-explained/> November ۸th, ۲۰۱۷.□



هش و با اشغال کویت توسط عراق و اعلام بی‌طرفی ایران و با تلاش وزرای خارجه دو کشور و نیز تغییر رویکرد شورای همکاری خلیج فارس نسبت به ایران و عراق، فصل جدیدی از روابط آغاز شد. امضای توافقنامه بین وزرای امور خارجه دو کشور در مسقط در اسفند ۱۳۶۹ هـ ش و بازگشایی سفارتخانه‌ها در فروردین ۱۳۷۰ هـ ش فصل جدیدی از روابط بین دو کشور را گشود.

با مرگ ملک فهد در سال ۱۳۷۴ هـ ش و پادشاهی عبدالله نشانه‌هایی از بهبود روابط مشاهده شد که با انفجار برج‌های الخبر در زمستان ۱۳۷۵ هـ ش و متهم شدن شیعیان این کشور در سایه حمایت حزب‌الله لبنان این روابط به محاق رفت؛ اما ورود امیر نایف وزیر کشور وقت و ملاقات وی با طرف ایرانی وضع را اندکی بهبود بخشید و سرانجام باعث دیدار رئیس‌جمهور وقت با ملک عبدالله در حاشیه اجلاس سران کشورهای اسلامی در سنگال در فروردین ۱۳۷۶ هـ ش شد. در این زمان ولیعهد عربستان در اسلام‌آباد قول داد که از برگزاری اجلاس سران کشورهای اسلامی در ایران حمایت کرده و این اتفاق در آذر سال ۱۳۷۶ هـ ش افتاد. حضور امیر عبدالله در تهران مهم‌ترین اتفاق دیپلماتیک پس از انقلاب در روابط دو کشور بود.

اما از سال ۱۳۸۴ هـ ش نشانه‌هایی که از سال ۱۳۸۲ هـ ش با سرنگونی صدام در عراق و بر هم خوردن توازن قوا به نفع ایران در این کشور، آغاز شده بود رنگ باخت و تماس‌های سیاسی کم‌رنگ شد. عربستان از به قدرت رسیدن شیعیان در عراق ناراضی بود و این امر را به‌هیچ‌وجه پنهان نمی‌کرد. قدرت یافتن شیعیان در عراق و لبنان، ترور رفیق حریری و برنامه هسته‌ای ایران، بسترهای این ناراضی‌ها بودند (فرازمند، ۱۳۹۴).

شواهد غیر قابل انکاری وجود دارد که نشان می‌دهد از سال ۲۰۰۸ م عربستان سعودی رویکرد محافظه‌کارانه خود را کنار گذاشته، خواستار اقدام جدی غرب برای کنترل نفوذ فزاینده منطقه‌ای ایران و مهار برنامه هسته‌ای کشورمان شده است. سفیر عربستان در واشنگتن براساس یک سند ویکی لیکس که تکذیب نشد از قول ملک عبدالله از آمریکا خواسته است تا به‌زعم وی سر افعی را قطع کند.^۱ همچنین مقام‌های سیاسی عربستان در فاصله سال‌های

۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ م در پاسخ به درخواست‌های آمریکا برای کمک به تشدید تحریم‌ها علیه ایران، تحریم‌ها را کافی و مؤثر ندانسته و خواستار اقدامات جدی‌تر و فوری‌تر شده‌اند.^۱

جان کری وزیر امور خارجه دولت دموکرات اوباما در جریان کنفرانس امنیتی مونیخ در سال ۲۰۱۸ م افشاء نمود که ملک عبدالله پادشاه وقت عربستان سعودی و حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر از واشنگتن خواسته بودند تا برای مهار ایران، این کشور را هدف موشک‌های خود قرار دهد. برخی از صاحب‌نظران، موضوعات ژئوپلیتیکی را اصلی‌ترین موضوعاتی می‌دانند که به تعارضات دو کشور دامن می‌زند.^۲ برگز، دیپلمات اسبق آمریکا در غرب آسیا معتقد است که فرقه‌گرایی و نبردهای نیابتی ابزارهای دیگری است که دو قدرت غرب آسیا علیه یکدیگر استفاده می‌کنند.

با سقوط صدام، گسل تعارضات منطقه‌ای ایران و عربستان به شدت فعال شد، به قدرت رسیدن شیعیان در عراق، قیام شیعیان بحرین، پیروزی‌های محور مقاومت در سوریه و لبنان با کمک شیعیان افغانستان، پاکستان، حشدالشعبی و حزب‌الله، تیرگی روابط با قطر و به دنبال آن حضور ایران و ترکیه در قطر همگی مؤید برآمدن ایران در عرصه منطقه‌ای بود که نگرانی‌های عربستان را تشدید نمودند.

در سوریه، ایران سقوط دولت بشار اسد و روی کار آمدن تکفیری‌ها را اقدامی مغایر با منافع و انسجام جبهه مقاومت دانسته و این روند را در راستای منافع رژیم صهیونیستی و جبهه سازش تفسیر می‌کرد (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۳)، حال آنکه عربستان به قدرت رسیدن شورشیان در سوریه را گامی برای تقویت موقعیت خود در منطقه به حساب آورده و از این طریق درصدد ضربه زدن به جبهه مقاومت به عنوان نیروی برتر معادلات منطقه بود و همین امر حضور ایران و سپس روسیه را به دنبال داشت. در واقع بحران سوریه نشان داد اختلاف ایران و عربستان که با پیروزی شیعیان در عراق و شکست‌های جبهه سازش در لبنان آغاز

۱. http://Arabic.rt.com/news_all_news/news

۲. <https://www.quora.com/Why-is-there-conflict-between-Saudi-Arabia-and-Iran>, John Burgess, Former US diplomat in the Middle East

شده بود، عمیق‌تر از آن چیزی است که گمان می‌شد و همچنین این بحران نشان داد شکاف‌های بین دو کشور، گسل‌های فعال ایدئولوژیکی؛ هویتی و ژئوپلیتیک را در خود جای داده است. ایران در طول چهار دهه گذشته، همواره از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین در مبارزه با رژیم صهیونیستی حمایت کرده و با طرح‌ها و سیاست‌های مختلف، مانند طرح صلح غرب آسیا برای شناسایی و پذیرش رژیم صهیونیستی مخالفت کرده و این نیز یکی دیگر از حوزه‌های مهم رقابت و اختلاف ایران و عربستان سعودی محسوب می‌شود (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۸۸).

پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۰۴ م و افزایش تدریجی نقش آفرینی و تأثیرگذاری این گروه به‌خصوص مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۲ روزه سال ۲۰۰۸ م و همچنین نمایش قدرت حزب‌الله در برابر رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ م و افزایش تأثیرگذاری این گروه در لبنان از تحولات مهمی‌اند که نشان‌دهنده تقویت نقش و قدرت گروه‌های مقاومت بوده که از منظر سعودی‌ها به افزایش نقش و نفوذ ایران در منطقه و تعیین‌کنندگی بالاتر آن در معادلات و منازعه اعراب-رژیم صهیونیستی منجر شده است. طی جنگ ۳۳ روزه، سعودی‌ها گروه حزب‌الله را به ماجراجویی و ضربه به منافع اعراب متهم کردند و آن را اقدامی ناشی از تحریکات ایران برای تسلط بر منطقه ارزیابی کردند. از آن پس روند بی‌اعتمادی بین ایران و عربستان تشدید شد (مهدی، ۱۳۸۵).

اندیشکده کارنگی در مقاله‌ای تحت عنوان جنگ نیابتی؛ امتداد رقابت ایران و عربستان به قلم «فردریک وری» و «کریم سجادپور» آورده است: در بحرین همانند سوریه، اقلیت بر اکثریت حکومت می‌کند، گرچه عملکرد این حکومت با خشونت کمتری همراه است. در حالی که حاکمیت سنی خاندان «آل خلیفه» ارتباط نزدیکی با عربستان دارد، ایران تلاش کرده است خود را قهرمان اکثریت محروم شیعه که ۷۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، نشان دهد و گاهی به موفقیت‌هایی نیز دست یافته است.

کشور یمن از دیگر عرصه‌های رقابتی ایران و عربستان در غرب آسیا محسوب می‌شود. آغاز جنگ داخلی در یمن میان دولت و شیعیان زیدیه، موسوم به حوثی‌ها و حمایت ریاض و تهران از دولت و مخالفان در یمن موضوع دیگری بود که شکاف را در روابط دو

کشور افزایش داد. ایران از حوثی‌ها حمایت می‌کرد و ارتش عربستان سعودی در کنار دولت یمن، وارد مقابله نظامی با حوثی‌ها شده بود.^۱ حملات موشکی شیعیان حوثی به ریاض باعث ناخرسندی ریاض شد؛ به گونه‌ای که وزیر خارجه این کشور سخن از احتمال برخورد نظامی با ایران گفته و نیکی هیلی نماینده آمریکا در سازمان ملل نمایش‌های متعددی را برای اقناع اعضای شورای امنیت و قدرت‌های جهانی برگزار نمود تا آن‌ها را قانع کند موشک‌ها ساخت ایران هستند. این البته در واقع تنها پاسخ کوچکی به بیش از «۱۶۰۰۰» حمله هوایی ائتلاف عربستان به این کشور بوده که با کشته شدن علی عبدالله صالح بر پیچیدگی بحران آن افزوده شد.^۲

در افغانستان انتقال بقایای داعش به این کشور برای فتنه‌انگیزی بی‌ارتباط با عربستان و تلاش‌های آمریکا نیست. شاید بتوان رد پای عربستان را در کشتار دردناک و بی‌رحمانه شیعیان روستای «میرزا اولنگ» افغانستان که طی آن تروریست‌ها دویست تن را سربریده یا تیرباران و یا از دره‌ها پرتاب کردند و ده‌ها زن جوان را نیز به بردگی بردند^۳ و یا ... جست‌وجو کرد. حادثه تعرض مأموران سعودی در فروردین ۱۳۹۴ هـ ش و حادثه منا در مهر ماه ۱۳۹۴ هـ ش و پس از آن اعدام شیخ نمر در دی ماه همان سال دومینوی تعارضات را تکمیل کرد و همین‌ها کافی بود تا روابط بین دو کشور در همان سال قطع و تیرگی‌ها تشدید شود.

۲. غرب آسیا منطقه‌ای پرتنش

محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران را باید از پویاترین و فعال‌ترین مناطق در عرصه روابط بین‌الملل برشمرد. منطقه‌ای که با بحران‌های متعدد و تصاعديابنده عجین است. شاخص‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی و همچنین الزامات ژئوپلیتیکی منطقه، زمینه

۱. <http://www.csr.ir/departments.aspx>

۲. <https://www.cnbc.com/20/12/2017saudi-arabia-and-irans-conflict-in-yemen.html>

۳. <http://www.tabnak.ir/fa/news/720155/1396/5/19>

مداخله‌جویی بازیگران فرامنطقه‌ای را موجب شده و به افزایش میزان نوسانات قدرت در حوزه‌های امنیتی ایران انجامیده است. درک الزامات و مقتضیات محیط امنیتی کشور تأثیر مستقیمی در رویکردهای منطقه‌ای و سناریوهای آتی در ترسیم این محیط خواهند داشت. جایگاه محوری ایران در محیط پیرامونی‌اش و شکل‌دهی محیط امنیت پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، مستلزم لحاظ تمامی عوامل، شاخص‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با اتخاذ استراتژی‌های فعال و فراگیر است (غرایاق زندی، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۷).

بعد از جنگ سرد، منطقه‌گرایی به‌عنوان چشم‌انداز نظم امنیتی شناخته شد. منطقه به‌عنوان یک واحد جغرافیایی است که از چندین کشور تشکیل شده که حدود آن براساس مرزهای فیزیکی و ویژگی‌های ایدئولوژیک تعیین می‌گردند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۲۴). در واقع برای شکل‌گیری یک نظام منطقه‌ای چندین متغیر لازم است از مهم‌ترین متغیرها وضعیت جغرافیایی، هویت، هم‌جواری چند کشور، مرزها، وسعت و غیره عناصری هستند که براساس آن‌ها منافع مشترک یا متضادی را برای کشورهای منطقه ایجاد می‌کند. عوامل مختلف ایدئولوژیکی و سیاسی در پیدایش هویت یک منطقه نقش مهمی را ایجاد می‌کند. شباهت‌ها و تضادها پیش‌زمینه شکل‌گیری نظام منطقه‌ای را فراهم می‌کنند. از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر شکل‌گیری نظام‌های منطقه‌ای نیازهای اقتصادی کشورهای یک منطقه به یکدیگر و پیوندهای فرهنگی، قومی، مذهبی و تاریخی است که در پیدایش نظام‌های منطقه‌ای نقش زیرین را دارند. چنانچه پیش از این نیز تأکید شد پس از وقایع ۲۰۰۳ م و سقوط نظام غیر دموکراتیک عراق که همواره به‌عنوان سدی در مقابل نفوذ منطقه‌ای ایران نگریسته و حمایت می‌شد و نیز اتفاقات پس از آن در لبنان، بحرین و یمن و اتفاقات بیداری اسلامی، تمرکز سیاست خارجی پادشاهی سعودی در کلیه سطوح به نقش و جایگاه منطقه‌ای ایران معطوف شد و البته نباید توافق ۱+۵ را نیز از نظر دور داشت.

مارکوس چنویکس کارشناس امور غرب آسیا در مصاحبه با CNBC گفته بود این موضوع بسیار نگران‌کننده است، زیرا پیش‌بینی می‌شود رقابت‌های عربستان سعودی و ایران می‌تواند منجر به توسعه تنش‌ها در منطقه شود. «او معتقد است چیزی که باید به عربستان سعودی و ایران یادآوری کرد این است که این امر بسیار جدید است. چرا که رقابت سنی

و شیعه را تشدید می‌کند، اما واقعیت این است که این اولین بار است که تخاصم برای مدت بسیار طولانی ادامه می‌یابد». او در نهایت ادامه می‌دهد: «برای مدت طولانی آمریکا و روسیه در منطقه حاضر بودند، سپس -با فروپاشی شوروی- فقط آمریکا بود و اکنون هیچ‌کس وجود ندارد؛ بنابراین خلأ قدرت وجود دارد و خلأ قدرت بسیار تازه است؛ ایرانیان آن را اولین بار دیدند و عربستان سعودی سپس وارد این معرکه شد».

بنابراین یکی از نکاتی که در تحلیل رویکرد تهاجمی عربستان در منطقه باید مورد توجه قرار گیرد خلأ حضور گسترده آمریکا در منطقه و سقوط متحدان سنتی این کشور نظیر مصر؛ یمن، لیبی، تونس و... در جریان بیداری اسلامی است که نباید آن را نیز (جهانبخش، ۱۳۹۵: ۴۹) از نظر دور داشت. موضوعی که باید در مورد اتحادها و تقابل‌های غرب آسیا مورد توجه قرار گیرد، شکنندگی بیش از حد همبستگی‌ها و تقابل‌های بازیگران سیاسی منطقه است که تا اقصای کامل همه بازیگران و استقرار یک نظم جدید منطقه‌ای به هر شکل ممکن ادامه خواهد یافت. به‌عنوان مثال ترکیه در مقابل ایران، عربستان را در عراق و سوریه همراهی نموده؛ اما با توجه به موضع ایالات متحده در حمایت از اکراد با ایران و روسیه در این دو کشور همکاری‌های محدودی داشته است، بنابراین در همراهی با ایران و روسیه همواره خطوطی را مد نظر دارد و این همان ملاحظاتی است که در مورد نوع و میزان ارتباط با عربستان مد نظر خواهد داشت. مثال دیگر تعارض عربستان و اردن و اخباری است که در زمینه تلاش عربستان برای جابه‌جایی قدرت در این کشور به گوش می‌رسد، همچنین تعارض عربستان با امارات در یمن که همگی مؤید ضرورت استقرار نظم نوین منطقه‌ای است. عربستان تلاش زیادی را مصروف نموده تا پس از سقوط مصر و عراق، رقبای همیشگی این کشور در منطقه، خود را برادر بزرگ‌تر و قیم اعراب معرفی و از این سیادت بهره اقتصادی و سیاسی ببرد و در همین مسیر حضور پررنگ ایران در حوزه‌های عربی و اسلامی را به دیده سد راه نفوذ منطقه‌ای و کم‌رنگ‌کننده هویت عربی نگریسته، واکنش‌های تندی در سایه حمایت غرب و به‌ویژه ایالات متحده به این موضوع نشان داده است؛ تا جایی که به باور محققین، بازی «همه چیز علیه ایران» را پیش برده و از هیچ

اقدامی فروگذار نمی‌کند. با وجود همه اعتراضات سیاسی و رسانه‌ای در مورد نفوذ روبه‌رشد ایران در منطقه، عربستان سعودی به‌تنهایی تمایلی به رودرویی نظامی با تهران ندارد.^۱

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق توصیفی یکی از اساسی‌ترین اشکال تحقیق به شمار می‌رود که پدیده‌های موجود در دنیای ما را توصیف می‌کند. این توصیفات می‌توانند درباره اطلاعات پایه‌ای، فعالیت‌ها، رفتارها و تغییرات بنیادین پدیده‌ها باشند، از این منظر، تحقیق توصیفی مبتنی بر نظریه یا نتایج تحقیقات پیشین است (لیونبرگ و ایربای، ۱۳۹۰: ۶۰). تحقیق پیش رو به لحاظ هدف کاربردی و از حیث رویکرد آمیخته و از نوع اکتشافی است که در خلال آن، داده‌ها در هر مرحله به‌صورت کیفی جمع‌آوری و سپس با کمک روش‌های کمی تجزیه و تحلیل، اولویت‌بندی و وزن‌دهی شده و سرانجام اعتبارسنجی شده‌اند. جامعه آماری؛ شامل خبرگان، کارگزاران حوزه امنیتی و راهبردی با مدرک تحصیلی دانشگاهی که به‌صورت هدفمند انتخاب و با روش هم‌تازینی و گلوله برفی توسعه یافته‌اند. جمع‌آوری داده‌ها نیز با توجه به رویکرد آمیخته اکتشافی در دو مرحله کمی و کیفی انجام پذیرفته است. در بخش کیفی داده‌های مورد نیاز با کمک بررسی‌های اسنادی، کتابخانه‌ای و گروه‌های کانونی و در بخش کمی نیز با کمک بررسی‌های میدانی، مصاحبه و پرسشنامه گردآوری شده‌اند. در این پژوهش مصاحبه با شیوه‌های زیر انجام شد:

الف) مصاحبه ساختاریافته (برنامه‌ریزی شده): سؤال‌های مورد نظر از قبل تنظیم و در نوبت اول برای تعیین روایی در اختیار خبرگان قرار گرفته پس از تأیید و در زمان مصاحبه به مصاحبه‌شوندگان تحویل یا به‌طور منظم از مصاحبه‌شونده سؤال شد.

ب) مصاحبه نیمه‌ساختاریافته: در این قسمت سؤال‌ها را از قبل تنظیم نموده، اما به تناسب پاسخی که مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌نمودند، سؤال‌های دیگری نیز مطرح شد.

۱. <http://www.middleeasteye.net/columns/why-saudi-arabia-cannot-go-war-iran-19>
December ۲۰۱۷

ج) مصاحبه ساختارنیافته (اکتشافی): در بخشی از مصاحبه‌های این پژوهش از قبل سؤالات مشخص و دقیقی تنظیم نشده، بلکه در گفت‌وگو و تعامل متقابل موضوع بحث دنبال گردید. لازم به ذکر است در این پژوهش از برگزاری گروه‌های کانونی که نوعی مصاحبه گروهی با تمرکز بر موضوعی خاص می‌باشند نیز بهره برده‌ایم.

برای روایی و پایایی داده‌های کیفی این پژوهش (قابلیت اعتماد و باورپذیری) از روش‌های مثلث‌سازی (زاویه‌بندی) استفاده شده که در خلال آن از منابع متعدد و معتبر و ارزیابی‌های متعدد و متنوع بهره‌گیری شده و به‌منظور تعیین روایی صوری، محتوا و سازه از طریق مراجعه به آرای خبرگان بهره‌برداری گردید. برای سنجش پایایی پرسشنامه‌ها آلفای کرونباخ محاسبه شده که برای پرسشنامه شماره (۱) کنشگران مؤثر در تهدیدات امنیتی عربستان عدد (۰.۸۳) و برای پرسشنامه شماره (۲) عوامل شتاب‌زای تقابل عدد (۰.۸۵) به دست آمد.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

عوامل شتاب‌زای تعارضات جمهوری اسلامی ایران و عربستان

همچنان که بر پیچیدگی روابط دو کشور ایران و عربستان افزوده می‌شود، شناخت عواملی که باعث تشدید تعارضات فی‌مابین می‌شوند موضوعی جدی است، چرا که مدیریت تعارضات و تخاصم‌های احتمالی منوط به شناخت عوامل مورد بحث خواهد بود. مطابق بررسی‌های انجام‌شده و نتایج تحقیق، فعالیت‌های مستشاری در عراق، یمن و سوریه، نفوذ معنوی و منطقه‌ای، رهبری جهان‌تشیع و توسعه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای از سوی ایران و تلاش برای توسعه تفکر وهابی از سوی عربستان بیشترین اهمیت در بروز تعارضات فی‌مابین را داشته‌اند. همچنین یافته‌های این پژوهش تلاش برای تعمیق عمق راهبردی پیرامونی از سوی هر دو طرف با حضور ایران در عراق و روی کار آمدن دولت شیعه و سازمان‌دهی حشدالشعبی، ایجاد و حمایت از حزب‌الله و تغییر توازن قوا به نفع ایران در لبنان، حمایت از انصار الله در یمن و حمایت معنوی از شیعیان بحرین را از دیگر عوامل تشدید تعارضات می‌داند. صدور ایدئولوژی از سوی طرفین با صدور ایدئولوژی انقلاب اسلامی، حمایت از آرمان فلسطین، حمایت از جریان‌های شیعه و در کل

حمایت از مسلمین جهان توسط ایران و توسعه اسلام تکفیری و وهابیت، تلاش برای تقابل شیعه و سنی و تلاش و حمایت از گروه‌های سلفی-جهادی تندرو از سوی عربستان از عواملی است که تقابل دو کشور را تسریع نموده است. به این مجموعه از عوامل باید رقابت‌های سنتی در قالب تلاش ایران برای ورود به باشگاه کشورهای هسته‌ای، رقابت اقتصادی در منطقه، رقابت سیاسی-اقتصادی در آفریقا و آسیای میانه را نیز افزود که برابر جدول (۱) ابعاد و عوامل تشدید منازعات بین دو کشور نشان داده شده است.

جدول شماره (۱)؛ عوامل شتاب‌زای تعارضات ایران و عربستان

مفهوم	ابعاد	عوامل تشدید منازعات فی‌مابین	اهمیت گزاره در بروز تعارض ۱-۱۰	تأثیر در بروز تهدیدات امنیتی	
				افزایش تهدید ۱-۳	کاهش تهدید ۱-۳
بسترها و عوامل شکل‌گیری تهدیدات امنیتی عربستان در منطقه غرب آسیا (کشنگران و عوامل شتاب‌زا)	توسعه ژئوپلیتیکی فضای حیاتی جمهوری اسلامی ایران	فعالیت‌های مستشاری در یمن	۸	۳	
		فعالیت‌های مستشاری در سوریه	۸	۳	
		قدرت گرفتن شیعیان در عراق	۷	۲	
		حزب‌الله مقتدر در لبنان	۷	۲	
		حمایت از شیعیان بحرین	۷	۲	
		انصار الله یمن	۷	۲	
		حمایت از شیعیان عربستان	۶	۲	
		حضور ایران در حوزه عربی	۸	۲	
توان‌افزایی و اقتدار جمهوری اسلامی ایران		نقش آفرینی حداکثری الهام‌بخشی در جهان اسلام	۸	۲	
		توسعه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای	۸	۲	
		پرچم‌داری دفاع از آرمان فلسطین	۷	۱	
		رشد و توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران	۷	۲	
		افزایش تعاملات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	۷	۲	
برتری‌جویی منطقه‌ای		صدور فرهنگ انقلاب اسلامی	۶	۱	
		رقابت طرفین برای رهبری جهان اسلام	۷	۲	
		کنترل و تسلط بر آبراه‌ها و تنگه‌های راهبردی	۶	۱	
تلاش عربستان برای توسعه		کنترل بازار انرژی و امنیت آن	۶	۲	
		حضور فعال عربستان در مجامع بین‌المللی	۶	۱	
		توسعه تفکر وهابی تکفیری در منطقه	۸	۲	
		کشتار زائران ایرانی مراسم حج	۷	۱	

	۲	۷	حمایت از تروریسم تکفیری در عرصه میدانی	فضای ژئوپلیتیک
	۲	۷	تلاش برای حضور در محیط بلافصل امنیتی ایران (سیستان و بلوچستان، کردستان و ...)	
	۱	۷	تلاش برای توسعه حوزه نفوذ در شبه جزیره (یمن، بحرین و ...)	
	۱	۶	تلاش برای ورود به حوزه تمدنی ایران نظیر (حضور مؤثر در افغانستان و آسیای میانه...)	

کشگران مؤثر در پیدایش و کنترل تهدیدات امنیتی عربستان و ایران

ایالات متحده را باید پیچیده ترین و در عین حال تأثیرگذارترین بازیگر در منطقه غرب آسیا دانست که پس از فروپاشی شوروی در دهه نود میلادی با قوت گرفتن جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پس از ۲۰۰۳ م همواره برای مهار قدرت روبه رشد ایران تلاش کرده است.

تلاش‌های این کشور در مهار ایران با راندن عربستان و رژیم صهیونیستی به سمت همکاری با یکدیگر و معرفی ایران به عنوان تهدید اصلی اعراب و نیز برافروختن آتش جنگ‌های قومی-مذهبی^۱ در جهان اسلام باعث شده منطقه غرب آسیا که در آن الگوهای دوستی و دشمنی فوق العاده خاص است، بسیار سیال و ناپایدارتر از گذشته به نظر برسد؛ آمریکا هم‌زمان با همراهی عربستان در منطقه، این کشور را از رویارویی با قطر حذر داده و تلاش می‌کند در عین حفظ درگیری دو کشور ثروتمند عرب در منطقه غرب آسیا، آن‌ها را علیه ایران در شورای همکاری خلیج فارس به موضع مشترکی برساند. با ایران در سوریه مقابله می‌نماید؛ اما با دولت همراه ایران در عراق میزانی از همکاری را کلید می‌زند تا مانع محکم شدن جای پای این کشور در عراق شود، دولت ماجراجوی عربستان را برای تحریک عراق به دوری از ایران با پوشش همکاری اقتصادی روانه این کشور می‌نماید و در همان زمان تلاش می‌کند تا با استفاده از جریان‌های شیعه لیبرال عراقی و جریان صدر، درگیری بین شیعیان این کشور را تشدید نماید.

۱. Ethnic Civil War

ترکیه در موضوع قطر و اخوان المسلمین با عربستان رقابت می‌کند و در همان زمان برای مهار قدرت ایران با این کشور همکاری می‌نماید. امارات در عین تلاش برای مهار ایران و شکستن مقاومت شیعیان حوثی در یمن با این کشور در جنوب یمن درگیر می‌شود و ... می‌توان مثال‌های بی‌شماری از این دست در منطقه غرب آسیا برشمرد که آمریکا در آن‌ها نقش محوری دارد، اما آنچه این کشورها را در کنار هم قرار می‌دهد علاوه بر منافع ملی آن‌ها، مقابله با توسعه قدرت و حضور معنوی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای این منطقه پر از آشوب است و نقش آمریکا در روابط پشت پرده بازی قدرت منطقه‌ای کشورهای مورد بحث، بسیار پررنگ به چشم می‌آید.

دایره رفتارهای متناقض آمریکا البته بسیار فراتر از این منطقه است؛ ایالات متحده هم‌زمان وانمود می‌کند برای دموکراسی در جهان تلاش می‌کند؛ اما یک دوجین از متحدان این کشور در غرب آسیا و فراتر از آن پادشاهان، سلاطین و رؤسای جمهوری هستند که در کشور ایشان کمتر ردپایی از دموکراسی دیده می‌شود؛ نظیر: مصر و عربستان، بحرین و امارات و برخی تحلیلگران معتقدند این از آن جهت است که ایالات متحده با لنز توازن قدرت بازیگران منطقه‌ای به آن‌ها می‌نگرد و همین باعث می‌شود رفتارهای این کشور نه تنها در غرب آسیا که در سراسر جهان متناقض به نظر برسد؛ بنابراین، این منافع تهران و ریاض نیست که در سوریه تحلیل و مبنای عمل آمریکا قرار می‌گیرد؛ بلکه متوازن کردن قدرت این دو کشور و منافع ایالات متحده در منطقه است که جهت و اقدامات آمریکا را در منطقه سازمان‌دهی می‌نماید (Gregory Gause, ۲۰۱۴: ۲۳).

برخی دیگر از محققین مدعی‌اند طرفین برای تحقق منافع خود از فرقه‌گرایی بهره می‌برند، این در حالی است که ایران سال‌ها است با حمایت معنوی از بازیگران فرودولتی؛ نظیر حزب‌الله و حشدالشعبی در عراق و ... بیشتر با هدف کمک به تأمین امنیت داخلی کشورهای منطقه بهره‌جسته تا به این وسیله از ورود بازیگران خارجی و تولید ناامنی توسط ایشان جلوگیری نماید. این امر به‌وضوح در سوریه و عراق در مقابله با داعش قابل رصد بوده است.

در جریان رقابت‌ها نکته قابل توجه توسعه ائتلاف‌سازی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از سوی عربستان بوده است. یکی از این ائتلاف‌ها توسعه همکاری با کشورهای عضو GCC بوده است (Alghunaim, 2014: 116). مسیری که جمهوری اسلامی ایران با حمایت از حزب‌الله، شیعیان حوثی و حشدالشعبی و البته به دلیل موضوعات ایدئولوژیک و نه توسعه‌طلبی پی گرفت. نکته جالب در ارتباط با روابط دو کشور ایران و عربستان تکیه عربستان به آمریکا در موضوعات امنیتی است، الگوی عربستان سعودی از گذشته همواره براساس تکیه بر یک دولت قدرتمند خارجی استوار بوده است؛ این متحد امروزه ایالات متحده است (همان، ۱۲۲). بازیگری رژیم صهیونیستی نیز در دو جبهه هم‌زمان افزایش تحرک شدیدی را تجربه می‌کند؛ افزایش تنش‌ها میان ایران و عربستان سعودی، ریاض را به این رژیم نزدیک‌تر کرده و بنابراین تلاش برای رویارویی ایران و عربستان اولین پرده از نمایش مد نظر صهیونیست‌ها است.

یووال اشتاینیتز، وزیر انرژی رژیم صهیونیستی در سال جاری میلادی (۲۰۱۸ م) برای نخستین‌بار از ارتباط مخفیانه این کشور با عربستان سعودی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران این‌گونه پرده برداشت: «ما با بسیاری از کشورهای عرب و مسلمان روابطی داریم که تا حدی بی‌سروصدا و مخفیانه است». گادی آیزنکوت فرمانده ارتش رژیم صهیونیستی در دی ماه سال ۱۳۹۶ ه‍.ش گفته بود که این رژیم آماده تبادل تجربیات با کشورهای معتدل عرب برای مقابله با ایران است.^۱ در اولین قدم، تروریست اعلام نمودن حزب‌الله از سوی اتحادیه عرب مورد استقبال رژیم صهیونیستی قرار گرفته و همکاری عربستان برای کنترل ایران، نمای دیگری از روابط اعراب و رژیم صهیونیستی را به نمایش گذاشت. در اقدامی دیگر و برای نخستین‌بار رژیم صهیونیستی از سوی عربستان سعودی مورد حمایت قرار گرفته است تا در شورای حقوق بشر سازمان ملل قطعنامه‌ای علیه سوریه تصویب شود. همچنین وزیر ارتباطات رژیم صهیونیستی از مفتی اعظم عربستان سعودی دعوت گرمی برای دیدار از سرزمین‌های اشغالی به عمل آورده است. از همین رو «توماس فریدمن»

۱. <http://fa.euronews.com/2017/11/20/why-Arab-league-meeting-in-Cairo>

روزنامه‌نگار سرشناس آمریکایی در نیویورک تایمز نوشت: «غرب آسیا بار دیگر ثابت کرد که اگر درست غذا بخوری، مرتباً ورزش کنی و دخانیات استعمال نکنی، به اندازه‌ای عمر خواهی کرد که هر چیزی را ببینی؛ از جمله اینکه روزی یهودیان کنترل بیت المقدس را به دست بگیرند و با سعودی‌های سنی متولی مساجد اعظم مکه و مدینه، اتحادی خاموش علیه شیعیان ایران تشکیل دهند» (هژیری، ۱۳۹۶). این اتحاد در معامله قرن و انتقال سفارت رژیم صهیونیستی به قدس شریف و موضع محمد بن سلمان در حمایت از آن در سایه آمریکا روشن‌تر از هر زمان دیگری دیده می‌شود.

در جبهه دیگر با روی کار آمدن ترامپ در آمریکا، لابی‌های صهیونیستی به‌ویژه آپیک فعالیت‌های خود را چند برابر کرده‌اند، این تلاش‌ها بر ایجاد نبردی نظامی بین ایران و آمریکا متمرکز شده و عربستان و برخی دیگر از اعراب؛ نظیر امارات عربی متحده در این مورد نقش خزانة و پیکان حمله در تهاجم احتمالی را بازی می‌کنند. این امر تا آنجا پیش رفت که عبدالباری عطوان تحلیلگر جهان عرب، عربستان و اتحادیه عرب را به بازی در زمین آمریکا و رژیم صهیونیستی محکوم نمود.^۱

مثلاً شوم عربستان، رژیم صهیونیستی و آمریکا نیز در این مسیر از سایر جریان‌ها به‌عنوان ابزار مقابله با ایران بهره می‌جویند. اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و نیز داعش و سایر جریان‌های تکفیری ابزارهایی هستند که آمریکا برای موازنه‌سازی جدید غیر بومی و اجرای سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای خود از آن‌ها بهره جسته است.

یکی از عوامل مؤثر در سختی مدیریت تهدیدات روابط ایران و عربستان و حتی بحران‌های منطقه به‌ویژه در زیرسیستم خلیج فارس، تعدد کنشگران مؤثر در موضوعات منطقه‌ای و تغییر سریع منافع و به تبع آن اقدامات این کنشگران است؛ به‌گونه‌ای که به‌عنوان مثال ایالات متحده به‌منظور برقراری توازن قوای منطقه‌ای و مدیریت تهدیدات جمهوری اسلامی ایران مبادرت به توسعه توان تسلیحاتی و اقتصادی کشورهای چون رژیم صهیونیستی و عربستان نموده و البته عربستان نیز سازوکارهای امنیتی خود را با حضور

بازیگران فرامنطقه‌ای چیدمان می‌کند. امارات عربی متحده بازیگر دیگری است که امروزه نقش پررنگی در بحران‌های امنیتی منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران بازی می‌کند.

ایمیل فاش‌شده «یوسف العتیبه» سفیر امارات در آمریکا مبنی بر پایبندی عربستان به اجرای شعارهای انتخاباتی ترامپ، نقش امارات در درگیری‌های فی‌مابین قابل توجه است. در مقام بیان یکی از مصادیق سیاست خارجی تهاجمی این کشور، نشریه العالم در سال ۲۰۱۷ م از طرحی سعودی - آمریکایی پرده برداشته که به واسطه سفیر امارات در آمریکا در حال پیگیری است. طی این طرح محمد بن سلمان به ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا وعده داده است با تفرقه‌افکنی بین شیعیان و تحریک مقتدی صدر به سرکشی، مقدمه درگیری‌های درون جریانات شیعه و سرانجام دستگیری رهبران شیعیان از جمله حیدر العبادی به واسطه جنایات جنگی توسط نهادهای بین‌المللی را فراهم می‌آورد.

اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛ نظیر شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب از دیگر متغیرهای مؤثر در بروز تهدیدات مورد بحث هستند.

در حال حاضر اتحادیه عرب، تمام کشورهای عرب‌زبان (۲۱ کشور از آسیا و آفریقا و سازمان آزادی - بخش فلسطین) را در بر می‌گیرد که عبارت‌اند از: مصر، عربستان، عراق، سوریه، الجزایر، اردن، لبنان، کویت، امارات متحده عربی، عمان، قطر، یمن، بحرین، سودان، سومالی، تونس، مراکش، لیبی، جیبوتی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین (آقای: ۱۳۸۳: ۳۳۰). در دی ماه سال ۱۳۹۴ ه.ش هم خبری که خیلی هم دور از ذهن نبود بر روی خروجی بسیاری از خبرگزاری‌ها قرار گرفت: «وزرای خارجه اتحادیه عرب در پایان نشست امروز خود با صدور بیانیه‌ای ضد ایرانی که همه کشورهای عضو این اتحادیه به جز لبنان و عراق با آن موافقت کردند، ایران را «مداخله‌گر» در امور منطقه خوانده و این دخالت‌ها و همچنین حمله به سفارت عربستان در تهران را محکوم کردند. وزیر خارجه عربستان در این بیانیه تأکید کرد که مواضع کشورهای عربی برای توقف تجاوزات ایرانی قوی و محکم است»؛ در ادامه «عبدالله بن زائد آل نھیان» وزیر امور خارجه امارات در نشست خبری پس از اجلاس اتحادیه عرب با اشاره به اینکه اعضای این اتحادیه از عربستان در برابر ایران حمایت می‌کنند، گفت: ایران قوانین بین‌المللی را نقض کرده است.

شیخ زائد با متهم کردن ایران به دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه تصریح کرد که سیاست‌های ایران بی‌نتیجه است و باید این سیاست‌ها تغییر کند». نبیل العربی دبیر کل اتحادیه عرب نیز در این کنفرانس خبری که به اتهام‌زنی صرف علیه ایران تبدیل شده بود، تأکید کرد: «همه کشورهای عربی از موضع عربستان در قبال ایران حمایت کردند، اما عراق و لبنان موضعی دیگر دارند»^۱.

موضع شورای همکاری خلیج فارس نیز نباید دور از نظر باشد؛ در حال حاضر شش کشور عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی، قطر، عمان و کویت عضو این شورا هستند.

این شش کشور بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر مرز دریایی و در مجموع ۴۰ درصد منابع نفتی و یک‌چهارم منابع گازی سراسر جهان را به خود اختصاص داده و در مجموع ۵۰ میلیون جمعیت دارند که بیش از نیمی از جمعیتشان خارجی تبار هستند.

کشورهای فوق با توجه به مشکلات متعدد سیاسی و امنیتی در سال ۱۹۸۱ م گرد هم آمدند و پیمان همکاری منطقه‌ای را به امضاء رساندند. این پیمان در ابتدا یک پیمان امنیتی نبود، ولی در سال ۱۹۹۲ م کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با توجه به تحولات و رخدادها به این جمع‌بندی رسیدند که مسائل امنیتی را نیز مد نظر قرار دهند و به توافقی‌نامه‌ای برای همکاری در امور امنیتی دست یافتند که به دلیل اختلاف نگرش در مورد بندهای آن تاکنون به اجرا گذاشته نشده است (بخشی، ۱۳۹۱: ۱). سید حسین موسویان، عضو تیم پیشین هسته‌ای و معاون اسبق سیاست خارجی شورای عالی امنیت ملی ایران در مقاله‌ای که هافینگتون پست در سال ۱۳۹۵ ه‍.ش آن را منتشر کرده، در ارتباط با روابط ایران با کشورهای عربی این شورا در این مقاله آورده است:

«روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس روند تخصصی بسیار خطرناکی را طی می‌کند که می‌تواند به تقابل تمام‌عیار ختم شود. اخیراً در سمیناری در اروپا بودم که یک دیپلمات اروپایی که با ریاض در مورد ضرورت بهبود روابط با ایران گفت‌وگو کرده بود،

به من گفت که ما احساس می‌کنیم منطقه شما با توجه به روند تقابلی سعودی و ایران شرایطی مشابه وضعیت اروپا قبل از جنگ جهانی اول را طی می‌کند».

قبل از قطع روابط سعودی با ایران، سه تهدید اصلی امنیت ملی عبارت بودند از: آمریکا، رژیم صهیونیستی و تروریسم. ریاض بعد از قطع روابط با تهران راهبرد تقابلی تمام‌عیار علیه ایران را حداقل در هفت محور زیر برگزیده است:

۱. تشکیل جبهه متحد مخفی با صهیونیسم بین‌الملل؛ شامل تل‌آویو علیه ایران،
۲. احیای ملی‌گرایی عربی این بار نه علیه رژیم صهیونیستی، بلکه علیه ایران، تصمیمات نشست‌های ماه‌های اخیر شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب در راستای این سیاست است،
۳. تشکیل جبهه متحد هلال سنی علیه ایران شیعی، تلاش برای همکاری مشترک ریاض، آنکارا و قاهره پیگیری چنین سیاستی است،
۴. تشکیل جبهه متحد عربی-صهیونیستی علیه حزب‌الله لبنان،
۵. ممانعت از کاهش خصومت و دشمنی واشنگتن علیه تهران و به بن‌بست کشاندن هرگونه پیشرفت در روابط ایران و غرب،
۶. تقویت گسترده مالی و تسلیحاتی و اطلاعاتی گروه‌های تروریستی ایرانی همچون سازمان منافقین خلق برای انجام عملیات تروریستی در ایران،
۷. طراحی‌های جدید برای ایجاد آشوب در مناطق سنی‌نشین ایران. معنی این راهبرد هفتگانه برای ایران این است که عربستان به لیست تهدیدات اصلی امنیت ملی ایران اضافه شود (موسویان، ۱۳۹۵).^۱

۱. <http://www.khabaronline.ir/detail/542812/World/diplomacy/153/1395>

جدول شماره (۲): کنشگران بین‌المللی مرتبط با تهدیدات امنیتی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران

درصد اهمیت کنش بازیگر از منظر خبرگان	نوع کنشگری				عناصر و ذینفعان کنشگر	سطح کنشگری
	غیر هم‌سو با منافع ج.ا.ایران		هم‌سو با منافع ج.ا.ایران			
	غیر قابل کنترل	قابل کنترل	غیر قابل کنترل	قابل کنترل		
٪۸۳.۳۳	۲.۵				ایالات متحده امریکا	کنشگران بین‌المللی
٪۵۶.۶۷	۱.۷				اتحادیه اروپا	
٪۵۶.۶۷	۱.۷				ساختار نظام بین‌الملل	
٪۵۶.۶۷	۱.۷				شورای امنیت سازمان ملل	
٪۶۳.۳۳	۱.۹				اتحادیه عرب	
٪۳۳.۳۳			۱		چین	
٪۳۳.۳۳			۱		کشورهای جنبش عدم متعهد	

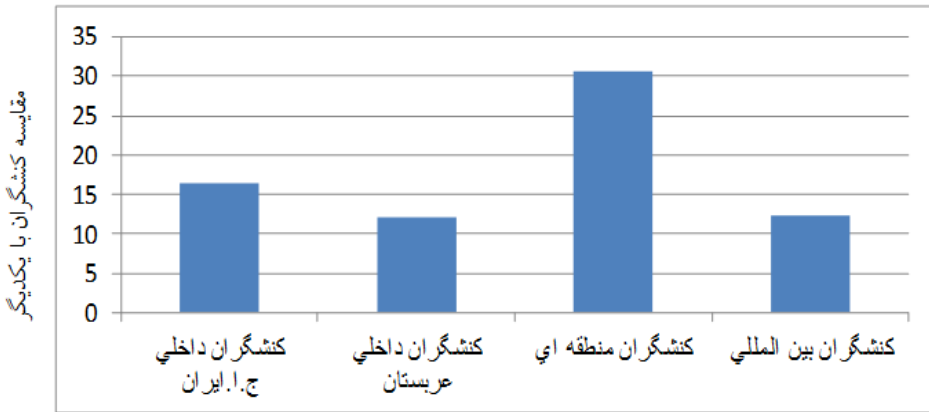
جدول شماره (۳): مهم‌ترین کنشگران منطقه‌ای در ارتباط با تهدیدات امنیتی عربستان

درصد اهمیت کنش بازیگر از منظر خبرگان	نوع کنشگری				عناصر و ذینفعان کنشگر	سطح کنشگری
	غیر هم‌سو با منافع ج.ا.ایران		هم‌سو با منافع ج.ا.ایران			
	غیر قابل کنترل	قابل کنترل	غیر قابل کنترل	قابل کنترل		
٪۸۳.۳۳	۵.۲				رژیم اشغالگر قدس	کنشگران منطقه‌ای
٪۸۳.۳۳				۲.۵	روسیه	
٪۸۰.۰۰				۲.۴	حزب‌الله لبنان	
٪۷۰.۰۰	۲				داعش و سایر جریان‌های تکفیری	
٪۶۶.۶۷	۲				شورای همکاری خلیج فارس	
٪۶۶.۶۷	۲				امارات عربی متحده	
٪۶۶.۶۷				۲	انصار الله یمن	
٪۶۳.۳۳				۲	سوریه	
٪۶۲.۳۳				۱.۹	ترکیه	
٪۶۰.۰۰				۱.۸	عراق	
٪۵۶.۶۷				۱.۷	پاکستان	
٪۵۶.۶۷				۱.۷	عمان	
٪۵۳.۳۳				۱.۵	قطر	
٪۵۳.۳۳	۱.۵				القاعده	
٪۳۳.۳۳			۱		سازمان کنفرانس اسلامی	
٪۳۳.۳۳		۱			مصر	

خبرگان همچنین در بین کنشگران منطقه‌ای، رژیم صهیونیستی، روسیه، حزب‌الله لبنان، داعش و جریان‌های تکفیری را کنشگران واجد اهمیت دانسته‌اند. همچنین از بین کنشگران داخلی جمهوری اسلامی ایران، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، سپاه پاسداران، شورای عالی امنیت ملی و وزارت اطلاعات مهم‌ترین و در بین کنشگران داخلی عربستان «خاندان سلطنتی، سلفی‌های تکفیری و شیوخ وهابی» مهم‌ترین کنشگران، غیرهم‌سو با منافع جمهوری اسلامی ایران و غیر قابل کنترل می‌باشند.

جدول شماره (۴): مهم‌ترین کنشگران داخلی دو کشور در ارتباط با مدیریت تهدیدات امنیتی متقابل

درصد اهمیت کنش باز یگر از منظر خبرگان	نوع کنشگری		عناصر و ذینفعان کنشگر	سطح کنشگری
	غیرهم‌سو با منافع ج.ا.ا.ایران	هم‌سوی منافع ج.ا.ا.ایران		
٪۱۰۰		۳	مقام معظم رهبری	داخلی
٪۹۶.۶۷		۲.۹	سپاه پاسداران ج.ا.ا.ایران	
٪۷۶.۶۷		۲.۳	شورای عالی امنیت ملی	
٪۷۳.۳۳		۲.۲	وزارت اطلاعات ج.ا.ا.ایران	
٪۸۳.۳۳	۲.۵		خاندان سلطنتی	عربستان
٪۷۳.۳۳	۲.۲		سلفی‌های تکفیری	
٪۷۰	۲.۱		آل شیخ	



نمودار شماره (۱): مقایسه اهمیت کشنگران در بروز تهدیدات امنیتی عربستان با توجه به تعدد آن‌ها

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این پژوهش با رویکردی آینده‌پژوهانه و کاربردی مدیریت ریسک‌شناسایی کشنگران واجد اهمیت، عرصه یکی از اصلی‌ترین تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران، یعنی عربستان سعودی و عوامل تشدید یا کنترل تعارض صورت گرفت. در این راستا با حساسیت نسبت به نمونه‌برداری اقدام شد تا از سوگیری احتمالی جلوگیری شود؛ این از آن جهت است که به نظر می‌رسد نوع ادراک افراد از واقعیت‌های بیرونی با توجه به فرآیند ادراک‌سازی می‌تواند متفاوت باشد؛ یعنی نگاه و تحلیل یک نظامی با یک دیپلمات از یک واقعیت واحد ممکن است تفاوت داشته باشد که میزان این تفاوت خود البته محل گفت‌وگو است؛ اما نه در این مقاله. به همین منظور برای مصاحبه و تکمیل پرسشنامه افرادی از دستگاه دیپلماسی، اساتید دانشگاه، مراکز پژوهشی دانشگاهی و سایر مراکز پژوهشی مرتبط، انتخاب و از ایشان جهت تکمیل پرسشنامه و مصاحبه دعوت به عمل آمد. برای شناخت و مدیریت تهدیدات امنیتی بازیگری چون عربستان، شناخت کاملی از بازیگران تأثیرگذار، میزان تأثیر و حوزه تأثیر آنان به جهت تحلیل و استنباط در پردازش تجویزهای راهبردی بسیار مهم است. یافته‌های این پژوهش نشان از تأثیر کشنگران در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر تهدیدات امنیتی ناشی از عربستان سعودی دارد.

بر این اساس، مهم‌ترین کنشگران داخلی جمهوری اسلامی ایران مقام معظم رهبری، سپاه پاسداران، شورای عالی امنیت ملی و وزارت اطلاعات و مهم‌ترین کنشگران داخلی عربستان، خانواده سلطنتی است. این یافته‌ها مهم‌ترین کنشگران منطقه‌ای را رژیم صهیونیستی، روسیه، حزب‌الله لبنان، داعش و جریان‌های تکفیری و از بین کنشگران بین‌المللی، ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب و شورای امنیت سازمان ملل، معرفی نموده است. در میان کنشگران و سازمان‌های بین‌المللی نیز ایالات متحده آمریکا با حداقل قابلیت کنترل، اتحادیه اروپا با قابلیت کنترل متوسط و اتحادیه عرب و شورای امنیت سازمان ملل با قابلیت کنترل متوسط، از کنشگران مؤثر دانسته شده‌اند.

در ارتباط با عوامل کنترلی و شکل‌گیری تعارض، ابعادی همچون؛ فعالیت‌های مستشاری جمهوری اسلامی در یمن و سوریه، نقش‌آفرینی و الهام‌بخشی حداکثری در جهان اسلام و عرب، توسعه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، توسعه ژئوپلیتیکی فضای حیاتی، توان‌افزایی و اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران، برتری‌جویی منطقه‌ای دو کشور، تلاش عربستان برای توسعه فضای ژئوپلیتیک و بازیگری در منطقه، تحرک عربستان در مجامع بین‌المللی (تلاش برای ائتلاف‌سازی قومیتی، منطقه‌ای و بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران)، توسعه تفکر وهابی تکفیری و حمایت از تروریسم تکفیری در عرصه میدانی، تلاش برای حضور در محیط بلافصل امنیتی ایران (سیستان و بلوچستان، کردستان و...) از جمله این موارد است.

نکته قابل توجه در ارائه توصیه و تجویز راهبردی نسبت به مدیریت محیط امنیتی منطقه غرب آسیا این است که عناصر، بازیگران و کنشگران با درجه و قابلیت کنترل بالا یا پایین در کاهش و شدت تخاصم و تعارض براساس اهداف و منافع امنیت ملی و نیات راهبردی خود نقش‌آفرینی می‌کنند. نقش‌پذیری ویژه و نیابتی رژیم سعودی در اجرای سناریوها، سیاست‌ها و راهبردهای جبهه غربی و عبری در فشار به جبهه مقاومت در این راستا قابل ارزیابی است. سیاست‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران فضای تنفس امنیتی رژیم سعودی را محدود ساخته است که بازتاب‌های آن در رفتارهای انفعال و هیجانی عربستان بروز و ظهور داشته است.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- آقایی، سید داوود (۱۳۶۸)، سیاست و حکومت در عربستان سعودی، تهران: انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی انقلاب ۸۶-۸۵.
- بخشی، جواد (۱۳۹۱)، بررسی برنامه‌های امنیتی شورای همکاری خلیج فارس از ابتدای تشکیل تاکنون، تهران مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- جعفری ولدانی، اصغر؛ جعفری، هرمز (۱۳۹۵)، بنیان‌های حفظ ثبات سیاسی در عربستان (۲۰۱۱-۲۰۱۵)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره اول.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)، چالش‌ها و منازعات در غرب آسیا، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، منافع استراتژیک مشترک و اتحاد آمریکا، رژیم صهیونیستی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جهانخس، محمدتقی (۱۳۹۵)، روابط عربستان و همسایگان شرقی ایران؛ تلاش برای محدود و موازنه سازی، ماهنامه تخصصی مطالعات امنیت ملی برآورد، شماره ۲۳ و ۴۴، تهران.
- رجبی، سهیل (۱۳۹۱)، واکاوی جایگاه استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، فصلنامه ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال دهم، شماره ۲۴.
- زراعت پیشه، نجف (۱۳۸۴)، برآورد استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی-سیاسی)، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
- سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۸۹)، قدرت نرم در استراتژی غرب آسیای آمریکا، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- صفوی، سید حمزه (۱۳۹۴)، عربستان؛ مجموعه کشورهای اسلامی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- غرایق زندی، داود (۱۳۸۷)، محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، مندرج در مجموعه مقالات محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فرازمند، محمد (۱۳۹۴)، رهنامه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با عربستان سعودی.
- مهتدی، علی (۱۳۸۵)، مصاحبه اختصاصی، کارشناس غرب آسیا.
- هژیری، محمدعلی (۱۳۹۶)، چند گام تا اتحاد عملی عربستان و رژیم صهیونیستی، -IPSC مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.

ب. انگلیسی

- <http://pajooh.ir/۱۳۹۳/۷/۲۴>
- [https://www.quora.com/, Burgess John \(۲۰۱۵\), Why is there conflict between Saudi Arabia and Iran?](https://www.quora.com/,-Burgess-John-(۲۰۱۵),-Why-is-there-conflict-between-Saudi-Arabia-and-Iran?)
- <https://fanack.com/saudi-arabia/history-past-to-present/iran-and-saudi-arabia-the-rivalry-explained/November>
- [https://www.cnb.com/۲۰۱۷/۱۲/۲۰/-Saudi Arabia and Iran's feud has entered a new 'unpredictable' phase/Holly Ellyatt](https://www.cnb.com/۲۰۱۷/۱۲/۲۰/-Saudi-Arabia-and-Iran's-feud-has-entered-a-new-unpredictable-phase/Holly-Ellyatt)
- [http://www.middleeasteye.net/columns/why-saudi-arabia-cannot-go-war-iran-۹۵۴۹۷۷۵/۱۹ December ۲۰۱۷/Maysam Behravesh](http://www.middleeasteye.net/columns/why-saudi-arabia-cannot-go-war-iran-۹۵۴۹۷۷۵/۱۹-December-۲۰۱۷/Maysam-Behravesh)

- Gregory Gause (July ۲۰۱۴) Beyond Sectarianism: New Middle East Cold War, BROOKINGS DOHA CENTER ANALYSIS PAPER, Number ۱۱
- Alghunaim Ghadah (۲۰۱۴), Conflict between Saudi Arabia and Iran: An Examination of Critical Factors Inhibiting their Positive Roles in the Middle East, Nova Southeastern University